

## طبقات و مبارزه طبقاتی

- ۲ -

پرچم، شماره دهم، دوشنبه ۲۳ ثور ۱۳۴۷ هـ / ۱۳ می ۱۹۶۸ ع

### مبارزه طبقاتی نیروی محرکه تکامل جامعه ایست که در آن استثمار وجود دارد

علی رغم اینکه ایدئولوژیهای مرتجع فئودالی و بورژوازی از بیم مقاومت خلق کارگر در برابر استثمار، مذبحانه میکوشند که مبارزه طبقاتی را مانع ترقی و رشد اجتماعی نشان دهند و یا اساساً وجود طبقات متضاد و مبارزه طبقاتی را نفی کنند ولی علم و عمل ثابت میکند که مبارزه طبقاتی بمثابه نیروی محرکه و سرچشمه تکامل جامعه ای است که در آن طبقات متخاصم و استثمار وجود دارد.

مبارزه طبقاتی در زمینه رشد و تکامل جامعه چه در شرایط «مسالمت آمیز» و تغییرات کمی و چه بخصوص در شرایط جنبش های انقلابی و تغییرات سریع کیفی و بنیادی اهمیت مترقی و خلاق دارد. بطور مثال در شرایط سرمایه داری، سرمایه داران بدون مبارزه کارگران کمتر بفکر تکامل تکنیک می افتند، سرمایه داران ترجیح میدهند که از طریق «ساده» و «ارزان» مانند افزایش ساعات و روز کار و تقلیل دستمزد، کارگران را استثمار کنند و سطح تولید را بالا ببرند. ولی مبارزه پیگیر طبقه کارگر است که در پهلوی رقابت میان سرمایه داران صاحبان سرمایه را مجبور میکنند تا بغرض افزایش سود و مفاد خویش ماشین های جدیدی را احداث کنند، عملیه های فنی را تکامل دهند و اختراعات را به پذیرند و به تکنیک جدید توسل جویند.

« . . . تقریباً تمام اختراعات جدید نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است . . . بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است.»

### نقش مبارزه طبقاتی در زندگی سیاسی:

مبارزه طبقات ستمکش در زندگی سیاسی نقش عظیم مترقی را ایفا مینماید، چنانچه در دوران معاصر مبارزه طبقه کارگر به اتحاد دهقانان چه در کشورهای کم رشد و نو بنیاد آسیائی و افریقائی و امریکای لاتین و چه در کشورهای سرمایه داری رشد یافته، مانع جدی و بزرگی در راه جلوگیری از اعمال شوم امپریالیستهای جنگ طلب است که میکوشند آتش جنگ خانمانسوز جدیدی را شعله ور سازند، جنبشهای انقلابی رهائی بخش ملی را سرکوب نمایند، آزادیهای دموکراتیک را محو سازند، مقامات انتخابی مردم را محدود گردانند، فرهنگ مترقی و دموکراتیک را از میان بردارند و سرانجام راه رشد و تکامل مترقی جامعه را مسدود کنند.

تنها مبارزه قاطع طبقاتی توده های زحمتکش در تحت رهبری طبقه کارگر قادر است اینهمه تمایلات ضد مردم را جلو گیرد. در شرایط معاصر جهان چنین یک . . . میتواند نتایج درخشانی را در راه دفاع از صلح، دموکراسی و حاکمیت ملی بار آورد و جلو ظهور فاشیسم، ارتجاع و جنگ را مسدود سازد.

در اثر مبارزه پیگیر و سرسخت و تشکل توده های ستمکش علیه ستمگران است که ترقی اجتماعی روی میدهد و قاعدتاً تکامل مترقی جامعه در تمام عرصه های اجتماعی سریعتر میشود.

عالیترین شکل مبارزه طبقاتی یعنی تغییرات سریع کیفی و بنیادی اجتماعی (انقلاب اجتماعی) در ترقی اجتماعی نقش خلاق و عظیمی را ایفا میکند. در نتیجه این شکل مبارزه است که نظم اجتماعی کهنه از بین میرود و نظم اجتماعی نوین و مترقی تر جانشین آن میگردد.

هرگاه نظری در سیر تاریخ جوامع بشری انداخته شود بخوبی آشکار میشود که سراسر تاریخ پر از مبارزه استثمار شوندهگان علیه استثمارگران است. مبارزه جسورانه بردگان با برده داران در جامعه بردگی نظیر قیام اسپارتاکوس (قرن اول قبل از میلاد)، مبارزه و قیام دهقانان علیه فئودالها از قبیل قیام تایلور در انگلستان (قرن چهاردهم) قیام ژاکری در فرانسه (قرن شانزدهم)، قیام بالوتنیکوف و رازین (قرن هفدهم) و پوگچف (قرن هجدهم) در روسیه، قیام تای پین در چین (قرن نوزدهم) و هزاران قیام و جنگهای خورد و بزرگ که ماهیت طبقاتی داشته اند، تماماً مظهر مبارزه طبقاتی ستمگران و ستمکشان در عرصه های محلی، ملی و بین المللی در سرتاسر تاریخ بشمار میرود. مبارزات و قیام های بردگان نقش مترقی در تکامل اجتماعی داشته اند. بردگان بناهای جامعه بردگی را متزلزل ساختند و دهقانان بمثابه یکی از نیروهای عمده نابودی فئودالیزم موجب گذار جامعه فئودالی به نظام مترقی تر (سرمایه داری) گردید. معهذک خاطر نشان میگردد که توده های مردم در

## تایپ کامپیوتری از ع. ق. فضلی

جوامع بردگی و فئودالی قرون گذشته نمیتوانستند به ظلم و ستمگری و استثمار برای همیشه خاتمه دهند. زیرا برای چنین هدفی هنوز شرایط لازم اجتماعی مساعد نبود. سطح تولید و شیوه های تولید امکان آنرا نمیداد تا چنان نظام اجتماعی آزاد ایجاد گردد که استثمار انسان از انسان از ریشه محو گردد. مبارزان دوران بردگی و فئودالی آگاهی کامل از هدف مبارزه و طرق نیل به آنرا عمیقاً درک نمیتوانستند، آنها با تئوری پیشرو و مترقی بمثابه رهنمای عمل مبارزه مجهز نبودند. سازمان سیاسی (حزب) که سلاح قاطع مبارزه زحمتکشان بشمار میرود اصلاً وجود نداشت. طبقه پیشآهنگ نوین یعنی طبقه کارگر هنوز ایجاد نشده بود.

شرایط مساعد فوق فقط در دوران سرمایه داری و آخرین نظام استثمارگر و بالا ترین مرحله آن یعنی امپریالیسم، (چه در کشور های کم رشد آسیائی، افریقائی و امریکای لاتین و چه در کشورهای سرمایه داری پیشرفته) و بخصوص در عصر نوین و کنونی که محتوی اساسی آنرا جریان انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم تشکیل میدهد و یک سوم بشریت تحت پرچم جهان بینی علمی به اعمار زندگی نوین مشغول است و امپریالیسم رو به ضعف و اضمحلال میرود، نهضت بین المللی کارگری بسط و توسعه مییابد و «موج نیرومند انقلابیهای رهائی بخش ملی طومار سیستم استعماری امپریالیسم را درهم می پیچد» بوجود آمد.

### مبارزه طبقاتی در جامعه سرمایه داری:

طبقات اساسی جامعه سرمایه داری بطوریکه در شماره گذشته توضیح شد عبارت از بورژوازی و پرولتاریا است.

از آنجائیکه سرمایه دار پیوسته در تلاش تحصیل سود فراوان است و کارگران را بیشتر و بیشتر استثمار میکند و همیشه موجب بحرانهای اقتصادی، بیکاری و جنگهای غارتگرانه و در نتیجه باعث آلام و بدبختی عظیمی برای زحمتکشان میگردد، کارگران نمیتوانند با چنین وضعی دمساز گردند و علیه استثمار سرمایه داری به مبارزه بر نخیزند.

مبارزه طبقاتی کارگران با سرمایه داران کاملاً با قوانین تکامل جامعه انطباق دارد. این وظیفه بزرگ تاریخی کارگران است که برای همیشه استثمار را از جامعه محو سازد و سرمایه داری را نابود کند و نظام نوین اجتماعی بدون طبقات را به وجود آورد. این وظیفه عالییه از عهده دیگر طبقات اجتماعی برآورده شده نمیتواند، زیرا سرمایه داری (بورژوازی) تنها وقتی که بر علیه فئودالها مبارزه میکرد مترقی بود، اما پس از اشغال قدرت خصلت ارتجاعی یافت و هدف آن فقط و فقط استثمار خلق کارگر برای همیشه (!) است.

## تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

قشرهای متوسط جامعه سرمایه داری که عموماً دهقانان، پیشه وران استند و موضع مستقلی ندارند تا پایان جنبش، مبارز پیگیر نیستند. معهذک هر اندازه سرمایه داری رشد یابد قسمت اعظم دهقانان و پیشه وران ورشکست میشوند و به صفوف زحمتکشان میگرایند و کارگران میتوانند آنها را بطرف خود جلب کنند و به متحدین خویش تبدیل نمایند.

در جامعه سرمایه داری، روشنفکران (اطباء، مهندسين، تکنیسینها، معلمان، ماموران علمی و غیره) نمیتوانند مبارزین پیگیر باشند. روشنفکران مجبورند در خدمت طبقات استثمارگر درآیند. معهذک قشرهای وسیع ماموران و نیز بخش مهمی از روشنفکران که سرمایه داری آنها را بجانب زحمتکشان میکشاند متحد طبقه کارگر میشوند.

اکنون در عرصه ملی و بین المللی، انحصار های سرمایه داری دشمن عمده طبقه کارگر و همچنان دهقانان پیشه وران و سرمایه داران کوچک دیگر شهری و اکثریت ماموران و روشنفکران و حتی قسمتی از سرمایه داران متوسط استند. بدینجهت طبقه کارگر ضربه اساسی خود را علیه انحصار های سرمایه داری که حامل نیرومند قدرت امپریالیزم، ارتجاع و جنگ و فاشیزم و بر ضد صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم است متوجه میسازد.

پرولتاریا (طبقه کارگر مزدور) پروگرامی برای مبارزه علیه قدرت مطلقه انحصار های سرمایه داری پیش میکند که در آن نه تنها منافع موجود تمام خلق و متحدین خود را تأمین مینماید بلکه منافع آینده آنان را نیز در نظر میگیرد. مثلاً پرولتاریا از ملی کردن وسیع که حد اکثر بوضع مردم مفید باشد طرفداری میکند، از اصلاحات اساسی ارضی به نفع دهقانان پشتیبانی مینماید، در راه دموکراسی وسیع با قاطعیت تمام مبارزه میکند . . . و غیره که همه بمصالح عظیم خلق توافق تام دارد. مؤجز اینکه طبقه ای که در جامعه سرمایه داری تا اخیر جنبش، مبارزه پیگیر میکند طبقه کارگر است. کارگران با مترقی ترین و رشد یابنده ترین شکل تولید یعنی صنایع ماشینی در ارتباط و در رشد و تکامل دایمی اند. کارگران اساساً از هرگونه مالکیتی محروم اند و بنا بر این چیزی ندارند که در مبارزه از دست بدهند. کارگران با آزاد کردن خود تمام زحمتکشان را از یوغ استثمار و ستمگری آزاد میسازند، زیرا برای همیشه به استثمار انسان از انسان خاتمه میدهند.

## طبقات و مبارزه طبقاتی

-۳-

پرچم، شماره یازدهم، دوشنبه ۳۰ ثور ۱۳۴۷ هـ / ۲۰ می ۱۹۶۸ ع

### مبارزه طبقاتی در کشورهای کم رشد و نو بنیاد:

هم اکنون واحد های جدیدی از کارگران و زحمتکشان جوان در کشور های آزاد شده آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین که تا کنون در تحت نفوذ امپریالیزم و تسلط فئودالیزم قرار دارند، وسیعاً در مبارزه رهایی بخش به پیش میروند و سازمانهای سیاسی آنها بر مبنای جهان بینی تشکیل شده و رشد مییابد و بیش از پیش به نیروی ملی با اعتبار و مورد قبول عامه تبدیل میشوند و قشر های وسیعی از زحمتکشان را رهبری میکنند و در راه سوق پیگیر جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی به سرمنزل غائی آن و در راه ایجاد دولت دموکراسی ملی و ترقی و تعالی اجتماعی، بدون طی مرحله سرمایه داری رشد یافته، متحدانه مبارزه میکنند.

پیگیر ترین مبارز در راه به انجام رساندن جنبش دموکراتیک و ملی، در راه تکامل و ترقی اجتماعی و تامین مصالح ملی، طبقه کارگر است. با رشد و تکامل صنایع در این کشور ها صنوف طبقه کارگر و نقش وی در زندگی اجتماعی و سیاسی رو به افزایش میگراید. اتحاد طبقه کارگر و دهقانان شرط اساسی پیروزی مبارزه در راه تحولات بنیادی و کیفی و تامین پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و هسته جبهه متحد دموکراتیک و ملی است. بدینترتیب در کشور های کم رشد و نو بنیاد به موازات رشد تضاد های موجود بین زحمتکشان و طبقات ثروتمند، مبارزه طبقاتی نیز به مثابه نیروی محرکه و منبع تکامل جامعه درخشان تر و مشکل تر میگردد و علی القاعده شرایط اساسی تکامل مترقی تر و سریع تر جوامع این کشور ها را تدارک می بیند تا به هدف غائی یعنی ساختمان جامعه سوسیالیستی ارتقا یابند و برای همیشه به ظلم و ستم و استثمار انسان از انسان پایان دهد.

## تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

### اشکال عمده مبارزه طبقاتی کارگران مزدور:

مبارزه طبقاتی کارگران مزدور (رنج بران یا زحمتکشان یا پرولتاریا) دارای سه شکل عمده اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی است که هیچیک از آنها را نمیتوان مطلق کرد و متناسب با شرایط با هم در ارتباط ناگسستنی و منطقی دارد.

مبارزه اقتصادی عبارت از مبارزه طبقه کارگر بمقصد بهبود شرایط زنده گی و کار خویش است که ساده ترین شکل مبارزه بشمار میرود. کارگران در جریان مبارزه اقتصادی از کارفرمایان افزایش دستمزد، تقلیل ساعات کار و روز کار و غیره را مطالبه میکند. معمولترین شیوه مبارزه اقتصادی کارگران بیان مطالبات شان است که هر گاه مورد قبول کارفرمایان قرار نگیرد، کارگران دست به اعتصاب میزنند.

کارگران بمنظور دفاع از منافع اقتصادی خود سازمانهای کارگری یعنی اتحادیه های کارگری (ترید یونیون)، صندوقهای تعاونی، کوپراتیف ها و غیره تشکیل میدهند.

هر کارگر (حتی کم شعور ترین آنها از لحاظ سیاسی) ضرورت حمایت از منافع فوری اقتصادی خویش را زود درک میکند. از همین جهت است که مبارزه اقتصادی از لحاظ تاریخی نخستین شکل مبارزه طبقاتی کارگران و مبدا نهضت کارگری محسوب میگردد. در شرایط معاصر دفاع از مطالبات اقتصادی حتی در کشور های که نهضت طبقه کارگر نیرومند و از لحاظ سیاسی عالی است، نقش بزرگی را ایفا مینماید. دامنه مبارزه طبقه کارگر برای دفاع از منافع اقتصادی خویش حتی در شرایط سرمایه داری بسط می یابد و در اثر این شکل مبارزه کارگران امتیازات زیادی را از بورژوازی بدست میآورند. لذا پیشاهنگان طبقه کارگران (مبارزان پیگیر و مدافعین صدیق طبقه کارگر و تمام خلق کارگر) توجه جدی خود را به سازمان دادن مبارزه اقتصادی پرولتاریا معطوف میسازد.

مبارزه در راه مطالبات اقتصادی موجب آن میگردد که توده های وسیع کارگران به مبارزه طبقاتی و نهضت جلب گردد و بحیث مکتب ضروری مبارزه ضد سرمایه داری خدمت نماید، شعور سازمانی و طبقاتی کارگران را ارتقا دهد، همبستگی طبقاتی را متشکل سازد. بنا بر آن پیروزی اشکال عالی نهضت طبقه کارگر به پیمانیه وسیعی به این مبارزه تعلق میگیرد.

## تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

معدالک مبارزه اقتصادی حدود معینی ندارد. زیرا این شکل مبارزه نمیتواند که اساسات نظام سرمایه داری را هدف قرار دهد، منافع عمده اقتصادی کارگران را تامین کند، محور نیروی سیاسی بورژوازی را وظیفه خود قرار دهد و سرانجام نمیتواند کارگران را از یوغ استثمار آزاد سازد. از این جهت است که تا کارگران مبارزه اقتصادی و صنفی خویش را با خواستها و اهداف سیاسی پیوند ندهند، صرف مبارزه اقتصادی قابل اطمینان بوده نمیتواند. زیرا بورژوازی (طبقه حاکمه) از هر فرصتی استفاده میکند تا تمام امتیازاتی را که به طبقه کارگر تسلیم داده است دوباره اخذ نماید و در برابر منافع طبقه کارگر تجاوز کند. روی این دلیل عمده است که جهان بینی علمی میگوید که مبارزه اقتصادی دارای خصلت محدودی است و این شکل مبارزه به تنهایی نمیتواند به پیروزی نهایی برسد.

مبارزه اصیل طبقاتی پرولتاریا وقتی شروع میشود که این مبارزه از ساحهء محدود دفاع منافع فوری کارگران برآید و بشکل مبارزه سیاسی ظاهر گردد و رشد و تکامل یابد. روی این ضرورت است که باید نماینده گان پیشرو طبقه کارگر تمام کشور «علیه تمام طبقه سرمایه دار و علیه حکومتی که این طبقه را حمایت میکند» اقدام به مبارزه پیگیر نمایند.

### مبارزه ایدئولوژیکی:

طبقه کارگر چون طبقات دیگر برای تامین منافع خود دست به مبارزه میزند، زیرا مناسبات جامعه سرمایه داری طبقه کارگر را محکوم به استثمار و ستم و شرایط بد زندگی ساخته است. ولی باید خاطر نشان ساخت که طبقه کارگر خلق الساعه و خود بخودی از منافع طبقاتی خویش آگاهی نمییابد تشکل شعور طبقاتی پرولتاریا یک جریان پیچیده است که کندی و سرعت آن منوط است به شرایط مشخص در هر کشور. درست است که بهترین مکتب برای رشد شعور طبقاتی کارگران، مبارزات روزمره به شمول مبارزه برای منافع فوری آنهاست، ولی این شکل مبارزه کافی نیست. برای اینکه طبقه کارگر به یک سطح عالی شعور طبقاتی نایل آید و به منافع طبقاتی و به وظیفه عظیم تاریخی خود آگاهی یابد، به یک شکل مبارزه ایدئولوژیکی خاص نیازمند است. از همه اولتر مبارزه ایدئولوژیکی کارگران مستلزم داشتن یک جهان بینی، یک تیوری علمی ایکه بتواند راه آزادی طبقه کارگر را نشان دهد میباشد، زیرا بدون تیوری علمی پیشرو، نهضت پیشرو نمیتواند وجود داشته باشد. اساساً تیوری عبارت است از تجربه نهضت کارگری تمام کشور ها ولی باید جداً در نظر داشت که هر گاه تیوری یعنی علم با پراکتیک (عمل) مبارزه توأم نگردد، از آن چیزی بی موضوعی برون خواهد شد. طوریکه اگر عمل راه خود را با مشعل تئوری روشن نسازد، آدم کور و نابینا را ماند. میگویند: جنبش پیشرو (عمل مبارزه) کشتی است و تئوری پیشرو قطب نما، قطب نما بدون کشتی

## تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

زنگ میزند و کشتی بدون قطب نما به گمراهی میرود. به این معنی تئوری راهنمای عمل است. باید خاطر نشان کرد که طبقه کارگر و یا من حیث المجموع تمام زحمتکشان «به علت نداشتن وسایل و کمی آموزش، قادر نیست چنین تئوری علمی پیشرو را که راهنمای عمل شان گردد، ایجاد کنند. این تئوری توسط روشنفکران که بسوی پرولتاریا آمدند، تدوین گردید.»

در جای دیگر گفته میشود که: «تاریخ تمام کشورها گواهی میدهد که طبقه کارگر با قوای خود منحصرأ میتواند آگاهی تریب یونیونیستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل کند که باید تشکیل اتحادیه بدهد، بر ضد کارفرمایان مبارزه کند و دولت را مجبور به صدور قوانینی بنماید که برای کارگران لازم است و غیره. ولی آموزش سوسیالیسم از آن تئوری های فلسفی، تاریخی و اقتصادی نشو و نما یافته است که نماینده گان دانشور طبقات دارا و روشنفکران تتبع نموده اند . . . موجدین سوسیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود در زمره روشنفکران بورژوازی بودند . . .» در جای دیگر اظهار میگردد که آگاهی سوسیالیسم «در کارگران اصلاً نمیتوانست وجود داشته باشد. این آگاهی فقط از خارج کارگران ممکن بود وارد گردد». باید در نظر داشت، طرفداری از جریان خود بخودی کارگران یک نظر اپورتونیستی (ابن الوقتی) است، «یعنی تئوری کرنش در برابر خودرو بودن نهضت کارگری و در واقع تئوری انکار نقش رهبری که لازم پیش آهنگ طبقه کارگر و حزب طبقه کارگر میباشد.» روی همین ملحوظ است که میگوید: «نقش یک مبارز پیش آهنگ را فقط حزبی میتواند ایفا کند که با تئوری مترقی رهبری شود.»

موجز اینکه عقیده سوسیالیسم تنها بر اساس پیشرو ترین تئوری های فلسفی، اقتصادی و سیاسی ایجاد شده می توانست که این امر از طرف متفکرین بزرگ و پرنبوغی که تمام زنده گی و آثار خلاق خود را در راه مبارزه آزادی بخش طبقه کارگر وقف کردند، ایفا گردید. آنان با دقت علمی تعالیمی را بسط و تکامل دادند که در نتیجه آن منافع اساسی طبقه کارگر و ضرورت آزادی آنان از یوغ استثمار درک شد، راه رسیدن به هدف کشف و نابودی نظام سرمایه داری و ساختمان جامعه سوسیالیستی بحیث قانون تکامل اجتماعی ثابت گردید و همچنان تاکتیک های اساسی نهضت طبقه کارگر وضاحت پیدا کرد. ولی باید در نظر داشت که جهان بینی علمی طبقه کارگر که از طرف متفکرین بزرگ ایجاد شده است، فهرستی از پاسخ های جامد و خشک در برابر مسایل نیست که خلق کارگر در مراحل بعدی تاریخی در تحت شرایط جدید و اوضاع و احوال جدید با آن مواجه میگردد. برای اینکه جهان بینی علمی برای همیشه سلاح بران طبقه کارگر در مبارزه باشد، باید پیوسته با آن بصورت خلاق برخورد کرد و بر اساس معلومات جدید علمی و تجارب تازه ناشی از مبارزه طبقاتی میلیونها انسان آنرا غنا بخشید و رشد و تکامل داد، ولی باید دقت کرد که تئوری علمی و پیشرو طبقه کارگر پیوسته از طرف



## تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

ایدئولوگ های بورژوازی عناصر فئودال و امپریالیست پرست و همچنان از طرف رفرمیست ها و تجدید نظر طلبان راست و «چپ» مورد حمله قرار میگیرد. لذا مبارزه بمنظور پاکیزه نگه داشتن جهان بینی علمی «مبارزه علیه دشمنان آن از هر قماش که باشند و قبل از همه علیه ایدئولوژی ارتجاع امپریالیستی در زمره مبارزه ایدئولوژیک است» زیرا ارتجاع امپریالیستی جمیع وسایل دست داشته خود را تجهیز میکند تا تئوری مترقی و پیشرو را لکه دار سازد و از سرمایه داری دفاع کند. ارتجاع امپریالیستی در زیر شعار های دروغین ضد جهان بینی علمی تمام چیزهای را که مترقی و پیشرو است مورد حمله قرار میدهد و در صفوف خلق کارگر و نیروهای مترقی تفرقه ایجاد میکند، نهضت را بدنام میسازد و اراده مبارزه را در میان زحمتکشان خنثی می سازد. اکنون تمام دشمنان ترقی و پیشرفت اجتماعی (صاحبان قدرت مالی، سرمایه داران انحصاری، نژاد پرستان و دار و دسته میلیتاریسم، فاشیست ها و سران مرتجع استثمار گران و ملایان . . .) همکاران طبیعی و سیاسی و مسلکی ارتجاع امپریالیستی، با هم متحدانه و برای بقای منافع طبقاتی خویش (که بصورت قطع محکوم به زوال اند) به اصطلاح تئوری های تازه بتازه اختراع میکنند. ولی علی رغم این تلاش های مذبحخانه مدافعین نظم کهنه، ایدئولوژی مترقی و پیشرو به کامیابی های نوین و نوین تری نائل میشود. زیرا این ایدئولوژی چون صخره مستحکم بر مبنای علم پیشرو، بر اساس منافع حیاتی طبقه کارگر و اکثریت عظیم جامعه بشری که شیفته صلح و آزادی و ترقی هستند، استوار است.

در خاتمه این بحث، خاطر نشان میگردد که: با تدوین و درک تئوری علمی و پیشرو، وظیفه نیروهای ترقیخواه و پیشاهنگ انجام نمییابد، بلکه آغاز میگردد. به این معنی که پس از ایجاد و درک این تئوری باید آنرا تبلیغ و ترویج کرد و در افکار خلق کارگر رسوخ داد، شعور طبقاتی و سیاسی طبقه کارگر را ارتقا داد، جریان خودرو و خودبخودی آنها را تبدیل به جریان شعوری کرد و سطح آگاهی آنها را بالا برد تا کارگران بتوانند ماموریت تاریخی و نقش پیشاهنگی خود را برای نجات تمام خلق اعم از دهقانان، پیشه وران و خرده بورژوازی و روشنفکران از قید اندیشه های بورژوایی و رفرمیستی ایفا کند و آنها را با خود متحد سازد. بازهم باید جدا در نظر داشت که مبارزه ایدئولوژیک نیز مانند مبارزه اقتصادی بالذات هدف نیست. این مبارزه تابع وظایف سیاسی جنبش یعنی تابع تغییر بنیادی و کیفی روبنای سیاسی جامعه و غلبه بر نیروهای سیاسی مخالف طبقه کارگر و خلق کارگر یک جامعه است که بنام مبارزه سیاسی یاد میشود و ما در شماره آینده آنرا مطرح بحث قرار میدهم.

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)